



پرحمة امور  
ملکسی  
لسسی

لنین، استالین:

درباره:

# مبارزات دهقانی



استالین - مجموعه آثار، ص ۲۱۶ چاپ  
انگلیسی جلد اول

## مسئله ارضی

نظم کهن می گسند، روساها در طفیا نند. دهقانان، که  
همین دیروز سرکوب و تار و مار شدند، امروز زیبا خاسته و کمر راست  
کرده اند. جنبش دهقانی که تا همین دیروزی بی اور بود، اینک  
همچون سیل خروشان نظم کهن را جاروب میکند؛ از سر راهم  
دور شو - وگرنه ترا جاروب خواهم کرد!

"دهقانان زمین اربابان را می خواهند"، "دهقانان  
خواستار محبوبقایای سرواژ هستند" - اینها هستند فریادهای تیکه  
اینک از روستاها و دهکده های طفیان زده روسیه شنیده میشود.  
آن کس که تصور میکند میتوان دهقانان را با گلوله  
خاموش ساخت، در خیال باطلی بسر میرد؛ زندگی نشان داده -  
است که اینکار تنها شعله های جنبش انقلابی دهقانان را افرو  
خته، روسوزان ترمبازد.

و آنان که می کوشند دهقانان را با وعده های توخالی  
و "بانک های دهقانی" - به انفعال بکشانند نیز در اشتباهند؛  
دهقانان زمین میخواهند، آنها در روه پای این زمین بسر  
میبرند و البته آنها راضی نخواهند شد مگر اینک زمینهای  
اربابان را تصرف کنند. این وعده های توخالی و "بانک های  
دهقانی" به چه درد آنان می خورد؟

دهقانان خواهان تصرف زمین اربابان هستند. بدین  
لحاظ آنان خواهان محبوبقایای سرواژ بوده و آنها تیکه نمی  
خواهند دهقانان را بفریبند می بایستی بکوشند تا مسئله ارضی

را دهیفا" برای اعاض حل نمایند.

اما دهقانان چگونه میتوانند زمینهای اربابان را به  
ملک خویش درآورند؟

گفته میشود: "خرید زمینها با شرایط  
آسان". این آقایان به ما میگویند، دولت و اربابان  
زمینهای اضافی بسیاری در اختیار دارند، چنانچه دهقانان  
این زمینها را خریداری کنند، همه چیز خود بخود درست میشود، و  
به این ترتیب گرگها آرام گرفته و گوسفندان را به حال خود  
میگذارند. اما آنها نمی پرسند پس از اینکه دهقانان نه فقط  
از پول بلکه تا اعمای اسحوان غارت شده اند، تا چگونه  
میتوانند این زمینها را بخرند. آنها لحظه ای نمی اندیشند که  
اگر چنانچه فرار با ندر زمین خریداری شود، بدترین زمینها به  
دهقانان فالت شده، در حالیکه اربابان بهترین زمینها را  
را برای خود نگه خواهند داشت، همانطور که به هنگام "آزادی -  
سرفها" موقوف به اینکار شدند. علاوه، چرا دهقانان  
ر می راکه سالها معلق به آنها بوده، خریداری کنند؟  
مگر زمینهای دولت و اربابان سره، خان دهقانان آبیاری -  
سده است. آیا این زمینها معلق به دهقانان نیست؟ آیا  
دهقانان را از مزارع بدران و احداث خود محروم کردند؟ این  
حکومت عدالتی است که میگوید دهقانان زمینهای راکه از آنها  
گرفته شده، باید بخرند؟ و آیا مسئله جیش دهقانی، مسئله  
خرید و فروش است؟

آیا هدف جنس دهقانی رهائی دهقانان نیست؟ اگر دهقانان  
خود را از شروع سرواز آراد سازند چه کسی اسکار را خواهد  
کرد؟ و باره، این آقایان بما میگویند چنانچه کمی پول بپردازند  
به اربابها داده شود، آنها دهقانان را آراد خواهد ساخت. و -

باورداری‌دانه، این "آزادسازی" قرار است تحت هدایت  
بوروکراسی تزاری اجرا شود، همان بوروکراسی که پیش از یکبار  
باتوب و تفنگ به سراغ دهقانان گرسنه رفته است! ...  
خیر! خریداری زمینها دهقانان را نجات نخواهد داد. هر  
کس که دهقانان را راهنمایی میکند تا "خرید زمینها با شرایط  
آسان" را بپذیرند، یک خائن است زیرا او می‌کوشد دهقانان را در  
دام عوامل مستقلاتی گرفتار کند و خواهان رهایی دهقانان  
بدست خودشان نیست.

از آنجا که دهقانان خواهان تصرف زمین اربابان  
هستند، از آنجا که می‌بایستی بدین ترتیب بقایای سرواژرا -  
نابودکنند، از آنجا که "خرید زمینها با شرایط آسان" آنها  
را نجات نخواهد داد، از آنجا که امر رهایی دهقانان بایستی  
توسط خود دهقانان انجام پذیرد، بنابراین کوچکترین تردیدی  
باقی نمی‌ماند که تنها راه این است که زمین اربابها  
گرفته شود، یعنی این زمینها مصادره گردند.

این است راه رهسپاری.

مسئله این است که - مصادره زمینها تا چه حد بایستی  
پیش رود؟ آیا حدی دارد، و آیا دهقانان بایستی بخشی از زمینها  
را تصرف کنند تا تمامی آنها را؟

عده ای می‌گویند گرفتن همه زمینها زیاده روی است، گاه  
فی‌است تنها بخشی از زمینها گرفته شود تا دهقانان راضی شوند.  
فرض کنیم اینطور باشد، ولی چنانچه دهقانان زمین بیشتری  
بخواهند چه باید کرد؟ ما نمی‌توانیم جلوی آنها بایستیم و بگویم:  
تیم: صبر کنید! جلوتر نروید!

این کار ارتجاعی است! و آیا حوادث روسیه نشان نداده -  
اند که دهقانان خواهان تصرف کلیه زمینها هستند؟ بعلاوه

حرفش " بحی ازمینها " جد معنی میدهد؟ جد بحشی  
از زمین اربابها باید گرفته شود، یک دوم یا یک سوم؟ چه کسی  
باید این مکل را حل کند - فقط زمینداران یا زمینداران با -  
عقا و دهقانان؟ همانطور که می بینید، این سیوه زمینه های  
بسیاری برای عوامل مستعلائی باقی می گذارد، هنوز زمینها  
معامله بین ارباب و دهقانان وجود دارد، و این کار اساساً  
با وظیفه رهائی دهقانان در تضاد است. دهقانان با بستنی  
بکار برای همیشه بیا موزید که نه فقط لازم است با اربابان  
خانه برنند، بلکه لازم است با آنها بجنگند.

ما سوسیالیست ها در سراز را اصلاح کنیم، بلکه باید آنرا  
سازیم، بطوریکه بقایای سراز برای همیشه محو گردد.  
" حرفش فقط بحشی " ازمینها به معنای وصل کردن سراز  
است، که با وظیفه رهائی دهقانان سازگار نیست.

مسئله " مناره ایستکه تمامی زمینهای اربابان  
از آنها گرفته شود. تنها اینکار جنبش دهقانی را قادر بسازد  
دستیابی به هدف خویش خواهد ساخت، تنها اینکار میتواند  
سرزی مردم را برانگیزد، تنها اینکار میتواند بقایای فسیل  
نده، سراز را جاروب کند.

بنابراین، جنبش کسوفی در مناطق روستائی یک جنبش  
دهقانی دمکراتیک است. هدف این جنبش زدودن بقایای سراز -  
است. برای زدودن این بقایا ضروری است تمامی زمینهای  
اربابان و زمینهای دولت مصادره شود.

بعضی آقایان ما را متهم کرده و می پرسند: چرا فسیل  
سوسال - دمکراسی خواستار مصادره تمامی زمینها نشده بود؟  
چرا، نا اسی او آخر، فقط درباره " تصرف " ازرکی " ها صحبت

• لغت " بعضی " قطعات "، قطعه زمینهای که پس از لغو سراز  
در روسیه در ۱۹۶۱ اربابها از دهقانان گرفتند بودند. م. انگلیسی

میشود ؟

آقایان ، علت این بود که ، در سال ۱۹۵۲ ، زمانی که حزب  
راجم به " اترزکی " صحبت میکرد ، دهقانان روسی هنوز به  
جنبش کشیده نشده بودند . این وظیفه حزب بود که شعباری  
را به مناطق روستائی ببرد که قلوب دهقانان را شعله ور کند و  
آنها را علیه بقایای سرواژ برانگیزاند .

مصادره " اترزکی " دقیقاً " جنبش شعاری بود ، زیرا " اترزکی "  
بطور زنده سی عدالتی بقایای سرواژ را به باد دهقانان روسی  
میاورد .

اما اکنون زمان تفسیر یافته است . جنبش دهقانانی  
رشد یافته . دیگر لازم نیست این جنبش را در حال تولدینامم  
- این جنبش اکنون کاملاً در جریان است - امروز ، سؤال این  
نیست که چگونه دهقانان را به جنبش واداریم سؤال اینست که  
دهقانانی که اینک به حرکت درآمدند اند چه خواستی را بایسد  
مطرح کنند . مسلماً " ، در اینجا آنچه لازم است خواستههای  
قطعی و مشخص است . و از اینرو حزب به دهقانان میگوید که آنها  
باستی خواستار مصادره تمامی زمینهای اربابان و دولست  
بشوند .

این نشان می دهد که هر چیزی مکان و زمان خاص خود را دارد ،  
و این اصل همچنانکه مصادره تمامی زمینها صدق میکند ،  
در مورد " اترزکی " هم صادق است .

## II

دیدیم که جنبش کنونی در مناطق روستائی جنبشی است برای رهایی دهقانان ، همچنین دیدیم که برای رهایی دهقانان لازم است بقایای سرواژ نابود شود ، و برای نابودی این بقایا لازم است که تمام زمینهای اربابی و دولتی صادره شود ، بطوریکه راه برای شیوه نوین زندگی ، برای توسعه راد سرمایه داری ، بازگردد .

عرض کنیم تمام اینها انجام نده باشد . آنگاه زمینها چگونه باید تقسیم شوند ؟ چه کسانی باید مالک زمینها شوند ؟ عده ای میگویند زمینهای صادره شده بایستی بصورت مالکیت اشراکی به هر دهکده داده شود ، مالکیت خصوصی مبنی بایستی بیدرنگ لغو گردد ، هر دهکده بایستی مالک کامل مبنی بوده و آنگاه خودش زمینها را در " قطعات " مساوی بیس دهقانان تقسیم کند ، و بدین ترتیب سوسیالیسم فوراً " بسط " مناطق روستائی برده شده و بجای کار مزدوری ، زمین ازاره ای مساوی وجود خواهد داشت .

سوسیال - رولوسیونرها بما میگویند ، این " اجتماعی ردن زمین " خوانده میشود . آیا این راه حل برای ما قابل قبول است ؟ بگذارید امتحان کنیم . ابتدا به این نکته پردازیم که سوسیال - روسیونرها برای معمول داشتن سوسیالیسم میخواستند از مناطق روستائی آغاز کنند . آیا این امکان پذیر است ؟ هرکس میداند که شهر خیلی بیش از ده رشد کرده ، شهر هبرده است ، و در نتیجه ، هرگامی بسوی سوسیالیسم بایستی از شهر شروع شود . اما سوسیال - روسیونرها خواهان آنند که ده را رهبر شهر تبدیل ساخته و ده را مجبور کنند که معمول داشتن

سوسیالیزم را آغاز کند، که البته اینکار به علت عقب ماندگی مناطق روستائی غیر ممکن است. بنا بر این روشن است که "سوسیالیزم" - سوسیال - رولوسیونرها سوسیالیزمی زودرس - خواهد بود.

حال به این نکته پردازیم که آنها می خواهند بیدرنگ سوسیالیزم را در مناطق روستائی معمول دارند. معمول داشتن سوسیالیزم به معنای از بین بردن تولیدکالاائی، از بین بردن سیستم پولی، قطع نهادهای سرمایه داری، احتمالی کردن تمامی ابزار تولید است. اما، سوسیال - رولوسیونرها می خواهند، تمامی اینها دست نخورده باقی بماند و فقط زمین اجتماعی شود، که مطلقاً امکان پذیر نیست.

چنانچه تولیدکالاائی دست نخورده باقی بماند، زمین نیز یک کالا خواهد شد و هر روز به بازار خواهد آمد، و "سوسیالیزم" - سوسیال - رولوسیونرها به هوا خواهد رفت. روشن است که آنها می خواهند سوسیالیزم را در چارچوب سرمایه داری به اجرا در آورند، که البته ممکن نیست. دقیقاً بهمین علت است که گفته میشود "سوسیالیزم" - سوسیال - رولوسیونرها، سوسیالیزم بورژوازی است.

در مورد زمین اجاره ای مساوی باید گفت که صرفاً عبارتست از توخالی است.

زمین اجاره ای مساوی مستلزم برابری مالکیت است. اما نابرابری مالکیت در میان دهقانان حاکم است، و انقلاب دمکراتیک کنونی قادر به از بین بردن آن نیست.

آیا میتوان تصور کرد کسیکه مالک هشت جفت گاو است، همان استفاده ای را از زمین خواهد برد که کسیکه اصلاً هیچ گاو ندارد؟ و تازه، سوسیال - رولوسیونرها معتقدند "زمین اجاره ای مساوی"



منتهی به نابودی کارمزدوری شده و ارزش سرمایه جلوگیری خواهد کرد، که البته، مضحک است. روشن است که سوسیال-رولوسیونرها میخواهند توسعه بیشتر سرمایه داری مبارزه کرده و چرخهای تاریخ را عقب برگردانند. آنها نجات را در این مسکن راه می بینند. لیکن، علم بما می آموزد که پیروزی سوسیال-لیبرم منوط به توسعه سرمایه داری است، و هرکس که با این امر مبارزه کند با سوسیالیسم مبارزه کرده است. بهمین علت است که سوسیال-انقلابی ها را سوسیال-ارتجاعی نیز می خوانند.

ما راجع به این حقیقت که دهقانان نه در مخالفت با مالکیت بورژوازی بلکه بر اساس مالکیت بورژوازی است که با مالکیت فئودالی می جنگند، بحث زیادی نمی کنیم، آنها میخواهند زمینهای تصرف شده را بعنوان ملک خصوصی میان خود تقسیم کرده و راضی به "اجتماعی کردن زمین" نخواهند شد.

از اینرومی بینید که "اجتماعی کردن زمین" قابل قبول نیست.

سایرین میگویند که زمینهای متصرفه باید یک دولت دمکراتیک محول شده و دهقانان فقط بصورت اجاره دار این دولت در آیند.

این را "ملی کردن زمین" می نامند.

آیا ملی کردن زمین قابل قبول است؟ چنانچه بیسواد آوریم که دولت آینده، هر قدر هم که دمکراتیک باشد، معهذات دولتی بورژوازی خواهد بود، و واگذاری زمین به یک چنین دولتی قدرت سیاسی بورژوازی را تقویت خواهد کرد، که خیلی به زیان پرولتاریای ده و شهر خواهد بود، و چنانچه در نظر بگیریم که دهقانان خود نیز با "ملی کردن زمین" مخالفت کرده و -

راضی نخواهند شد صرفاً " اجاره دار باشند - خود بخود روشن خواهد بود که " ملی کردن زمین " مورد علاقه جنبش امروزی نیست . نتیجتاً " ملی کردن زمین " نیز غیر قابل قبول است . هنوز دیگران میگویند که زمین بایستی به ارگان های محلی دولت منتقل شده و دهقانان بایستی اجاره دار باشند . ارگان ها باشند .

این را " مونیسیپالیزاسیون " ( در اختیار شهرداری نهادن ) زمین می گویند ؟

آیا این مونیسیپالیزاسیون زمین قابل قبول است ؟ معنی " مونیسیپالیزاسیون زمین " چیست ؟ معنی آن این است که ، اولاً " دهقانان زمینی را که با مبارزه خود از اربابان و دولت صادره کرده اند بعنوان ملک شخصی خود دریافت نمی کنند . دهقانان به این مسئله چگونه برخورد خواهند کرد ؟ دهقانان میخواهند زمین را به عنوان ملک شخصی خود دریافت کنند ، میخواهند زمینهای صادره شده را بین خود تقسیم کنند ، آنها این زمینها را ملک خود می شمردند ، و وقتی به آنها گفته شود این زمینها به آنها داده نخواهد شد ، بلکه به ارگانهای محلی دولت واگذار خواهد شد ، آنها مطمئناً " با حاکمان " مونیسیپالیزاسیون " مخالفت خواهند نمود . ما نباید این را از بسادگی بررسیم .

علاوه بر آن ، چنانچه دهقانان در شور و شوق انقلابی خود زمینهای صادره شده را به تملک خود در آورده و چیزی برای ارگانهای محلی دولت باقی نگذارند ، چه خواهد شد ؟

مانعی توانیم جلوی آنها بایستیم و بگوئیم : دست نگه دارید ! این زمین بایستد به ارگانهای محلی دولت واگذار شود ، نه به شما ، برای شما ، همین بس است که اجاره دار زمین باشید !

ثانیا " ، اگر ما شعار " مونیسیپالبراسیون " را بپذیریم ، بایستی فوراً " آن را به میان مردم برده و فوراً " برای دهقانان توضیح بدهیم که زمینی را که بخاطرش می جنگند ، زمینی را که میخواهند مصادره کنند ، قرار نیست مالک آنها شود ، بلکه ملک ارگانهای محلی دولت خواهد شد . البته ، چنانچه حزب از نفوذ زیادی در میان دهقانان برخوردار باشد آنها ممکن است با این شعار موافقت کنند ، اما لازم به گفتن نیست ، که دهقانان دیگر با شور و شوق قبلی مبارزه نخواهند کرد ، و این مسئله برای انقلاب کنونی بسیار زیان بخش است . اما ، چنانچه حزب از نفوذ زیادی بین دهقانان برخوردار نباشد ، آنها با حزب را ترک گفته و بدان پشت خواهند کرد ، و این باعث اختلاف بین دهقانان و حزب شد . و نیروهای انقلاب را بسیار تضعیف خواهد کرد .

به ما خواهد گفت : اغلب خواسته های دهقانان بر خلاف مسیر تکامل ، حرکت میکند ، ما نمی توانیم مسیر تاریخی را نادیده گرفته و همواره از خواسته های دهقانان پیروی کنیم - حزب بایستی اصول خود را حفظ نماید . این حقیقتی انجیلی است ! حزب بایستی با اصول خود هدایت گردد ، اما حزبی کسبه تمامی تلاشهای فوق الذکر دهقانان را نادیده بگیرد ، اصول خود را بیاخته است . اگر تمامی دهقانان تصرف زمینهای اربابی و تقسیم آنها بین خودشان است ، برخلاف مسیر تاریخی حرکت نمی کند ، بالعکس اگر این تلاش های سخت کاملاً از انقباض دمکراتیک کنونی نشاءت میگیرد ، اگر یک مبارزه واقعی علیه مالکیت فئودالی تنها میتواند بربایه مالکیت بورژوازی برانگیخته شود ، و چنانچه تلاش سخت دهقانان دقیقاً " همین روند را بیان می کند ، - آنگاه خود بخود روشن است که حسرت

نمی تواند با این خواسته‌های دهقانان مخالفت کند، زیرا  
 امتناع اریستیناسی این خواسته‌ها به معنای امتناع از توسعه  
 انقلاب خواهد بود. از سوی دیگر، اگر حزب اصولی دارد، اگر  
 حزب نمی خواهد نرم‌زا انقلاب باشد، بایستی به دهقانان کمک  
 کند تا به آنچه که بخاطر آن در تلاشند، دست یابند، و آنچه  
 که دهقانان بخاطر آن مبارزه می کنند از هر جهت ———  
 " مونسیپالیزاسیون زمین " متفاوت است ا

## II

دیدیم که نه " اجتماعی کردن " ، نه " ملی کردن " ،  
 نه " مونسیپالیزاسیون " زمین هیچک نمی توانند درستی  
 منافع انقلاب کنونی را بر آورده کنند.  
 زمینهای صادره شده را چگونه باید واگذار کرد؟ چه  
 کسانی باید مالک آنها باشند؟  
 ——— " ، زمینهای را که دهقانان صادره می کنند  
بایستی به دهقانان واگذار کرد تا بتوانند آنها را بیس  
خودشان تقسیم کنند. این روشی است که باید بر اساس آن مسئله  
 فوق را حل کرد. تقسیم زمینها موجب بسج دارائی ها میشود.  
 فقیرها زمین خود را فروخته و راه پرولتریزه شدن را پیش میگیرند،  
 ثروتمندان زمینهای بیشتری بدست آورده و به اصلاح شیوه های  
 کشاورزی خواهند پرداخت ، جمعی روستائی به طبقات تحریمه  
 خواهند شد، مبارزه طبقاتی حادی شعله ور خواهد گشت ، و به این  
 ترتیب بنیان توسعه فراتر سرمایه داری ، گذارده خواهد شد ،  
 همانطور که می بینید تقسیم زمین ، منطعا " ارتوسعه

افصادی امروری تبعیت میکنند، از طرف دیگر شعار " زمین  
به دهقانان منطبق است و فقط به دهقانان "، دهقانان  
را دلگرم کرده به آنان توان جدیدی می بخشد، و به جنبش  
انقلابی نوپای مناطق روستائی کمک خواهد کرد که به اهداف -  
خود تحقق بخشد.

چنانچه می بینید، مسیر انقلاب حاضر، ببردلالیت بسز  
لرزم تقسیم زمین دارد. مخالفین ما را منجم می کنند که بیه  
این سربسب ما مجدداً " حرده بورژوازی را بوجود می آوریم،  
و این به شدت دکنترین مارکس را نفص میکند. این جیری است  
که " روسیه انقلابی " (۱) می نویسد:

" شما با کمک به دهقانان در حلق بدار اربابها،  
ناآگاهانه کشاورزی حرده بورژوازی که بر روی  
خرابه هائی که هم اکنون انکال کم و بسز رشد  
یافته کشاورزی سرمایه داری را دارا هستند پی  
برجامی سازید. آیا اردیدگاه مارکسیم اردکس  
این " گامی به عقب " نیست " (مراجعه کنید به " روسیه انقلابی " شماره ۷۵)  
باید گویم آقایان " منفذ " واقعیات را فاطی کرده اند.  
آنها اریا دبرده اند که کشاورزی اربابی، کشاورزی سرمایه  
داری نیست، بلکه ابعاء کشاورزی فتودالی بوده و در نتیجه،  
حلق بدار اربابها باعث نابودی بفایای کشاورزی فتودالی و نه  
کشاورزی سرمایه دار میگردد. آنها همچنین فراموس کرده اند  
که اردیدگاه مارکسیم، کشاورزی سرمایه داری هرگز  
مسئما " بدنیال کشاورزی فتودالی بوجود نیامده، و نه،  
می تواند بیاید، بلکه بس آنها کشاورزی حرده بورژوازی  
فرار میگیرد، که کشاورزی فتودالی را ملعی کرده و بسجسا "

کشاورزی سرمایه داری را توسعه میدهد. کارل مارکس در جلد سوم "سرمایه" متذکر شده که از نظر تاریخی کشاورزی خرده‌بور-زوایی بدنبال کشاورزی فئودالی ظاهر گشته و کشاورزی سرما-یه داری بزرگ فقط پس از آن رشد میکند - و هیچگونه جهش مستقیمی از یکی به دیگری وجود نداشته - و نمی تواند وجود داشته باشد. و تاره این "منقدین" عجیب بمانی گویند که گرفتن زمینهای اربابی و تقسیم آن ها، از دیدگاه مارکسیسم حرکتی قهقراشی خواهد بود! حتما "بزودی آنها ما را متهم کرده و خواهند گفت از دیدگاه مارکسیسم "امحاء" سرواژ "نیز حرکتی قهقراشی است، زیرا در آن زمان نیمی از مقداری از زمین ها از اربابان "گرفته شده" و به مالکین کوچک - دهقانان - داده شده بود!

چه افراد مضحکی هستند! آنها درک نمی کنند مارکسیسم به هر چیزی از نقطه نظر تاریخی مینگرد، که از دیدگاه مارکسیسم، کشاورزی خرده بورژوایی در مقایسه با کشاورزی فئودالی پیشرفته تر است که انهدام کشاورزی فئودالی و برقراری کشاورزی خرده بورژوایی شرایط لازم برای توسعه سرمایه داری هستند، که بدنبال خود، کشاورزی خرده بورژوایی را نابود خواهد ساخت ...

اما اجازه بدهید این "منقدین" را آسوده بگذاریم. مهم این است که واگذاری زمین به دهقانان و تقسیم این زمینها بنیان بقایای سرواژ را تخریب کرده، زمینسه را برای رشد کشاورزی سرمایه داری آماده میسازد، تحسیرک زیادی به برآمدانقلابی می دهد، و دقیقاً "بهمین دلایل است که این معیارها برای حزب سوسیال - دمکرات قابل فیسبول است.

بنابراین ، برای امحاء بقایای پرواز ضروری است  
تمامی زمینهای اربابان معادله شده ، و آنگاه دهقانان این  
زمینها را به تملک خود در آورده و بر حسب نیازشان بین خود  
تقسیم کنند .

این است آن پایه ای که برنامه ارضی حزب بایستی بر  
روی آن استوار باشد .

بما خواهند گفت : تمام اینها مربوط به دهقانان  
است ، پس شما با پرولتاریای ده چه خواهید کرد؟ ما پاسخ  
میدهیم که ما برای دهقانان به برنامه ارضی دمکراتیک  
احتیاج داریم اما برای پرولتاریای نهروده برنامه سوسیالیستی  
سوسیالیستی داریم ، که بیان کننده منافع طبقاتی آنهاست .  
منافع کنونی آنها در ۱۶ مورد برنامه حداقل ما آورده شده که  
مربوط به بهبود شرایط کاری باشد ( مراجعه کنید به برنامه  
حزب که در کنگره دوم تصویب شد ) . در عین حال ، فعالیت‌های  
مستقیم سوسیالیستی حزب مشتمل است بر هدایت تبلیغ  
سوسیالیستی در میان تشکیلات های سوسیالیستی ، و ادغام آنها  
با پرولتاریای شهرداریک حزب سیاسی مجزا .

حزب در مقام دائم با این بحر اردهقانان بوده و به آنها  
می گوید : تا آنجا که شما در حال انجام یک انقلاب دمکراتیک  
هستید می بایستی رابطه خود را با دهقانان مبارز حفظ کرده  
و علیه اربابان بجنگید ، اما از آنجا که در عین حال شما بسوی  
سوسیالیزم گام برمیدارید ، فاطمانه با پرولتاریای شهر متحد  
کنند و سر سخاانه علیه هر بورژوازی ، چه دهقان ، چهار باب ،  
مبارزه کنید . به همراه دهقانان بسوی یک جمهوری دمکراتیک  
به همراه کارگران بسوی سوسیالیزم - این است آنچه  
که حزب به پرولتاریای ده می گوید .

جنبش پرولتاریائی ویرنامه سوسیالیستی آن شعله‌های  
آتش مبارزه طبقانی را در جهت انهدام کل سیستم طبغانیستی  
برای همیشه ، مشتعل می‌سازد ، جنبش دهقانی و ویرنا میسه  
ارضی دمکراتیک آن ، شعله‌های مبارزه بین امنیکسازات  
اجتماعی در روستاها را در جهت ریشه کن کردن نظام  
امتیازات اجتماعی مشتعل می‌کند .



## سعدالمحسری

در حاشیه سنی بواسطه ارتفسرنامه یک خواسته خود -  
داری کنیم که می نویسند:

" پس از تمام این حرفها ، اولی مقاله  
-رافانع کرد. آیا در امر صادره تمام زمینها  
با حرب مخالفند؟ اگر نه ، چرا این مقاله  
استور می گوید ؟ "

نه ، خواسته ، عرب ، در حرب هرگز با حسن صادره ای  
مخالفند. در کنگره دوم ، همان کنگره ای که کانسسی  
راجع به " ارزکی " تصویب شد - در آن کنگره (۱۹۰۳) ، حرب  
از زبان بلخاف ولنی اظهار داشت که اگر چنانچه دهقانان  
بفای صادره کلیه زمینها را بکنند ، ما از آنان حمایت  
خواهیم کرد \* . دو سال بعد (۱۹۰۵) دو گروه حرب ، " لثویکها "  
در کنگره سوم ، و " منثویکها " در کنفرانس اول ، مصمانسه  
اظهارداشتند که آسهابان تمام وجود از دهقانان در مورد مصادره  
کلیه زمینها پشتیبانی خواهد کرد \*\* .

سپس روزنامه های هر دو جریان حرب ، ایسکرا و پروولنری ، همینطور  
عصر جدید (۲) و آغار (۳) ، مکرراً " دهقانان را دعوت به مصادره  
کلیه زمینها میکردند... چنانچه مشاهده می کنید ، ارهمنستان  
آغار حرب از مصادره کلیه زمینها پشتیبانی کرده ، و نتیجتاً  
شما هیچ زمینه ای ندارید که فکر کنید حزب به دنبی سال  
جنبش دهقانی افتاده است ، هور جنبش دهقانی واقعا " شروع  
نشده بود ، و دهقانان هنوز حتی درخواست " ارزکی " هم نکرده  
بودند که ، حزب مثلاً " در کنگره دوم خود در باره مصادره کلیه

\* مراجعه کنید به یادداشتهای کنگره دوم  
\*\* = = = = سوم و "کنفرانس اول"

زمینها سخن می گفت .

معهدا چنانچه شما سوال کنید که چرا ما در ۱۹۵۳ ، خواست  
مصادره تمام زمینها را طرح نکردیم ، ما جواب شما را با  
سوال دیگری می دهیم : چرا سوسیال - روسیونها ، در ۱۹۵۵ ،  
خواست جمهوری دمکراتیک را مطرح نکرده بودند؟ آیا  
آنها مخالف این خواست بودند؟<sup>۱۸</sup> چرا در آن زمان آنها از ملی  
کردن صحبت میکردند و امروزه احتمالی کردن را در گوش ما  
فریاد می کشند؟ امروز ما در برنامه ، حداقل خود از روزگزار  
هفت ساعت سخن نمی گوئیم ، ولی آیا این بدان معناست که  
ما با آن مخالفیم؟ پس نکته چیست؟ نکته فقط آنستکه در سال  
۱۹۵۳ ، که جنبش هنوز ریشه نگرفته بود ، تقاضای مصادره کلیه  
زمینها صرفاً " بر روی کاغذ باقی مانده و جنبش هنوز ناتوان  
تا در به هما هنگی با این خواست نبود ، و بهمین علت بود که  
درخواست " اترزگی " در آن دوران مناسبتر بود . اما متعاقباً  
وقتی که جنبش رشد کرد و خواسته های سیاسی مطرح کرد ،  
حزب می بایستی که نشان دهد ، جنبش نمی تواند ، و نباید ،  
روی " اترزگی " توقف کند ، و مصادره تمام زمینها لازم است .  
اینها واقعیات هستند .

و در آخر ، چند کلمه درباره "بولتن خبری" (مراجعه  
کنید به شماره ۳۵۳۳) . این روزنامه مهمات زیادی درباره  
" موازین " و " اصول " نوشته و کشف کرده که زمانی حزب  
" اترزگی " را تا سطح اصول بالا برده بود . از آنچه در بالا گفته  
شد ، خواننده می تواند ببیند که این یک دروغ است و حزب  
علینا " مصادره تمام زمینها را از خیلی پیشتر تصریح کرده است .

---

۱۸ مراجعه کنید به " وظایف ما " منتشره از طرف اتحاد سوسیال  
رولوسیونها ، ۱۹۵۵

این حقیقت که " بولتن خبری " قادر نیست بین اصول و مفاهیم عملی تما یزقائل شود، ما را نا راحت نمی کند. این روزنامه رشد کرده و یادخواهد گرفت که بین آنها تما یزقائل شود. \* \*

ال و ا ( روشنائی ) ، شماره های ۹۰۵ و ۱۰

۱۷، ۲۲، ۲۳ مارس ۱۹۰۶

امضاء : ژ . بسوشویلی

ترجمه از : گرجستانی

---

\* \* " بولتن خبری " در جائی " شنیده بود " که " سوسیال - دمکراتهای روس ... برنامه ارضی جدیدی تصویب کرده اند که مطابق آن ... آنها از مونیسیپالیزاسیون زمین حمایت می کنند. "

باید بگویم سوسیال دمکراتهای روس هرگز چنین برنا - مه ای تصویب نکرده اند. تصویب چنین برنامه ای کار یک کنفرانس است، اما هنوز کنفرانسی تشکیل نشده است. قطعاً، " بولتن خبری " توسط کسی یا چیزی گمراه شده است. " بولتن خبری " خوب بود اینقدر مهملات به خورد خوانند - گانش نمی داد.

- توصیحات -

- ۱- " روسیه انقلابی " - ارگان سوسیال - رولوسیونرها ، که از اواخر ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵ منتشر میشد . ابتدا توسط اتحاد سوسیالیست های انقلابی منتشر میشد ، اما در ژانویه ۱۹۰۲ به صورت ارگان مرکزی حزب سوسیالیستهای انقلابی درآمد .
- ۲- " عصر جدید " - اولین روزنامه بلشویکی قانونی بود که از ۲۷ اکتبر ۱۹۰۵ در سن پترزبورگ منتشر میشد . بعد از بازگشت لنین از خارج ، " عصر جدید " زیر نظر او اداره - میشد . ماکسیم گورکی بعضی فعالیت های او را در روزنامه - داشت . با بیرون آمدن شماره ۲۷ " عصر جدید " ، روزنامه - توسط مقامات ضبط شد .
- شماره ۲۸ آن ، آخرین شماره اش ، غیر قانونی بود .
- ۳- " آغاز " - روزنامه ای قانونی بود که از ۱۳ نوامبر تا ۲ دسامبر ۱۹۰۵ توسط منشویکها در سن پترزبورگ منتشر میشد .
- ۴- " بولس خبری " - روزنامه ای گرجستانی بود که از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۶ در تفلیس منتشر میشد .
- در پایان ۱۹۰۰ ، این روزنامه به بلمدگوی سوسیالیستهای گرجستانی تبدیل شد ، و در ۱۹۰۴ ، به ارگان سوسیال - فدرالیست های گرجستان تبدیل گشت .

www.KetabFarsi.com

مقاله "حزب کارگران، و دهقانان،" در رابطه با تدوین برنامه ارضی  
حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه نگاشته شد که در تابستان ۱۹۵۲ بنام  
هیئت تحریریه ایسکرا در زاربا بیچاپ رسید و بوسیله کنگره دوم حزب  
س.د.ک.ر در ۱۹۵۳ مورد تصویب قرار گرفت.

چهل سال از آزاد شدن دهقانان میگذرد، کاملاً "طبیعی است که بوده"، مردم، نوزدهم فوریه سالگرد سقوط روسیه، فتودالی کهن و آغاز عصری را که به مردم نوید آزادی و کامیابی میداد با شور و سوخ خاصیت حس میگیرند. اما نباید از خاطر برد که علاوه بر اسراژ تنفر حقیقی نسبت به سرواژ و کلیه، مظاهر آن، مبالغه‌های بسیاری نیز در خطابه‌های ستایش آمیزی که در این باب ایراد میشود یافت میگردد. ارزیابی مداول کنونی از رفورم "بزرگ" مبنی بر "رهائی دهقانان همراه با اعطاء زمین به آنان به کمک عرامت دولتی"، کاملاً "ریاکارانه و کاذب است". در واقع دهقانان از زمین آزاد شدند، چون قطعه زمین‌هایی که فرنها روی آن کسب کرده بودند بیرحمانه نکه پاره شده و صدها هزار دهقان از تمام زمین‌هایشان محروم گشته و در چهاریک یا حصه، و فراوانی سکنی داده شدند. در حقیقت دهقانان بطور مضاعف غارت میشدند: نه تنها قطعه زمینشان خرد شد، بلکه با حار بودند در اراضی زمین‌هایی که برایشان باقی مانده بود، زمینی که همواره در تصرف آنان بود، "عرامت" بپردازند. علاوه بر مبلغ این عرامت بمراتب بیشتر از ارزش واقعی زمین بود. ده سال پس از آزاد شدن دهقانان، خود مالکین به مأمورین دولتی اجازه دادند به صورتحساب محصولی که دهقانان محصور شده بودند نه فقط برای زمینشان بلکه برای آزادی فردی خود نیز بپردازند رسیدگی نمایند. مع هذا، گرچه دهقانان محصور بودند برای آزادیشان فدییه بپردازند، آزادی واقعی به آنها اعطاء نگردید. آنها بمدت بیست سال "واسعه" موقتاً باقی ماندند. آنها پس‌ترین طبقه اجتماع باقی ماندند و تا به امروز

باقی مانده‌اند؛ طبقه‌ای در معرض تنبیه بدنی مشمول مالیاتهای ویژه، محروم از حق ترک آزادانه، کمونهای نیمه فئودالی، حق فروش آزادانه زمین‌های خود و با سکونت آزادانه در هر نقطه کشور. رفورم دهقانی ما بهیچوجه بیانگر مناعت حکومت نبوده، برعکس نمونه تاریخی بزرگی است از اینکه دولت خودکامه بهرکاری دست بزند تا چه حد آنرا حرکتی خواهد ساخت. زیر فشار شکست نظامی، مشکلات وحشتناک مالی و نارضایتی تهدیدکننده در میان دهقانان، حکومت در واقع مجبور به آزاد ساختن دهقانان شد، بزار خود، از ترس اینکه دهقانان از پائین خود را آزاد نمایند، پذیرفت که آنها بایستی از بالا آزاد شوند. اما در جریان پیاده کردن طرح آزادسازی، دولت برای ارضای طمع سرف‌داران "حریجه‌دار شده" به هر کار ممکن و ناممکنی دست زد. او حتی به نقشه رذیلاانه حابحائی افرادی که مأمور پیاده کردن رفورم بودند بسنده نکرد؛ گرچه این افراد از میان خود نجبا برگزیده شده بودند! نخستین هیئت میانجی منحل گردید و جای خود را به افرادی داد که نمیتوانستند از کمک به سرف‌داران که دهقانان را در تمام حریانات مربوط به تعیین حدود اراضی گول میزدند امتناع کنند. و نیز، انجام این اصلاحات بدولت توسل به اقدامات تنبیهی نظامی و به‌گلوله بستن دهقانانی که از قبول اسناد مالکیت<sup>۳</sup> امتناع میورزیدند ممکن نبود.

بنابراین تعجب‌آور نیست که بهترین مردمان آن دوره که اختناق آنان را از سخن گفتن باز میداشت با سکوتی محکوم‌کننده این رفورم بزرگ را استقبال کردند.

دهقان که از بیگاری آزاد شده بود، در حالی از زیر دست اجراکنندگان  
 رفورم بیرون آمد که خورد شده، غارت شده، خوار شده و به حصه ارضی  
 خود وابسته شده بود بطوریکه هیچ چاره دیگری نداشت جز اینکه "داوطلبانه"  
 بیگاری را بپذیرد. از ایلرو او از طریق "اجاره کردن" همان زمینی که از  
 قطعه زمین خود او صنعت شده بود از ارباب، مزدور کردن خود در فصل  
 رستخیز برای کار در باستان در ازای علمای که محور بود برای تغذیه،  
 حیوانده، گرسنه خود از مالک فرصت کسب، شروع به کسب زمین ارباب فعلی  
 خود نمود. "کار آزاد" - که در بیاسه‌های که توسط یک کنینر ژروسیب تنظیم  
 شده بود، از دهقانان دعوت شده بود که خاطرش "سکر پروردگار" را بجا  
 بیاورد - بدون هیچ کم و کاست همان کار - خدمت و بندگی از آب درآمد.  
 به ستم اربابان که از صدها سر علوطبع ما موربسی که رفورم را ارائه و  
 به انجام رسانیدند پابرجا مانده بود، ستم سرمایه امروز گشت. قدرت پول  
 که حتی دهقان فراسوی را که به ما یک رفورم نکست آور و توأم با اکراه بلکه  
 با یک انقلاب قدرتمند بوده‌ای از یوغ ارباب فتودال رها شده بود درهم  
 سکنه بود - بلکه این قدرت پول با تمام سنگینی اثر بردوش موزیک بیجه صرف  
 ما قرار گرفت. او محبور بود بهر قسمی که شده پول در بیاورد - برای پرداخت  
 مالیات‌ها که در نتیجه رفورم - خواهانه افزایش یافته بود، برای اجاره،  
 رهن، برای خرید حنطلم پست ارکالاهای ساخت کارخانه که کم کم محصول -  
 خانگی دهقانان را از دور خارج میکرد، برای خرید غله و غیره. قدرت پول  
 به عطف دهقانان را درهم نکست بلکه آنانرا منعم نمود. تعداد عظیمی از



دهقانان بطور مداوم خانه خراب شده و تبدیل به پرولتر شدند. از میان اقلیت، گروه کوچکی کولاک‌های حریص و موزیک‌های منهور که به مزارع دهقانی و زمینهای دهقانان دست انداخته و همه، بورژوازی سوپای روستائی را شکل میدادند برخاست. چهل سالی که از رفورم میگذرد با این روند بایدار "عبردهقان کردن" دهقانان - بک پروسه، نابودسازی کند و دردناک - منحص میگردد. دهقان به وضع گدایان نزول کرد. او با دام خود زیر یک سقف زندگی میکرد، لباس زنده برتن داشت و از علف معذبه میکرد. اگر حائی برای رفتن داشت از زمین خود فرار میکرد. و اگر میتوانست کسی را اغوا نماید تا یک قطعه زمین کوچک را که پرداخته‌هایی که به آن تعلق میگرفت بیش از درآمد حاصل از آن بود تحویل بگیرد، حاضر بود برای خلاصی خود بول بپردازد.

دهقانان در وضعیت گرسنگی مزمن بسر میبردند. در سالهای بدی محصول که با تناوب فزاینده‌ای تکرار میشد. دهها هزارتن از آنان بر اثر محطی و امراض مری میمردند.

چنین است وضع روستای ما، حتی در حال حاضر ممکن است سؤال شود که راه حل چیست؟ چگونه میتوان سرنوشت دهقانان را بهبود بخشید؟ دهقان بی چیز تنها با پیوند دادن خود با جنبش طبقه کارگر، با کمک به کارگران در مبارزه، شان در راه نظام سوسیالیستی، در راه تبدیل زمین و سایر وسائل تولید (کارخانهها، تأسیسات، ماشینها و غیره) به مالک اجتماعی، میتواند خود را از یوغ سرمایه آزاد کند. کوشش در جهت نجات

دهقانان از هجوم سرمایه‌داری، از راه حمایت‌کردن از زراعت در مقیاس کوچک و ملک‌داری کوچک ممانعت نیهوده از تکامل اجتماعی است. این بمعنی فریب دهقانان با این توهم است که خوشحالی حتی در نظام سرمایه‌داری امکان‌پذیر است. این بمعنی انشقاق طبقات زحمتکش و ایجاد موقعیت ممتاز برای اقلیت بزیان اکثریت است. بهمین دلیل است که سوسیال‌دمکرات‌ها همواره علیه نهادهای بی‌معنی و نادرست از قبیل نهادهائیکه دهقان را از فروش زمینش منع میکنند، تعهد دسته‌جمعی، یا سیستم ممنوعیت دهقانان از ترک آرادانه، کمون‌روسانی و یا پذیرش آرادانه، افرادی از هر مرتبه، اجتماعی در آن، مبارزه می‌کنند. اما همانطور که مشاهده میکنیم، دهقانان فقط از سنم سرمایه، آنهم به مقیاسی که از سنم مالکین و نقایای سرواژ رنج می‌برند، در رنج نیستند. مبارزه، بی‌امان علیه این قید و بندها که بطرز غیرقابل توصیفی وضع دهقانان را بدتر میکند و دست و پایشان را می‌بندد، به تنها ممکن است بلکه برای تکامل اجتماعی کشور بطور کلی ضروری است. چه، فعراً یوس‌کننده، چهل، بی‌حقوقی و حجت که دهقانان از آن رنج می‌برند، نشان عقب‌ماندگی آسبائی را بر کل نظام اجتماعی کشور ما گوینده است. سوسیال‌دمکراسی به وظیفه‌اش عمل نکرده است، هرگاه از هرگونه کمکی به این مبارزه دریغ ورزد، این کمک، اگر بخواهیم بطور خلاصه بیان کنیم، باید بشکل انتقال مبارزه، طبقاتی به روسا منحل گردد.

میدانیم که در روساهای مدرن روسیه دونوع آناگونیم طبقاتی در کنار یکدیگر وجود دارد: بحسب تضاد بین کارگران کشاورزی و زمینداران.

و دوم تضاد بین دهقانان بمثابه یک کل و طبقه مالکین بمثابه یک کل . تضاد نخستین رشد یافته و حادثتر میشود و تضاد دوم بتدریج تحلیل میرود . اولی هنوز کلا " مربوط به آینده است و دومی اینک تا درجه قابل ملاحظه‌ای بگذشته تعلق دارد . ولی علیرغم این مطلب ، در حال حاضر این تضاد دوم است که حیاتی‌ترین و عملی‌ترین اهمیت را برای سوسیال دمکراتهای روسیه دربردارد . بدون شک ، اینکه ما باید تمام فرصت‌هایی را که در اختیار ما قرار میگیرد ، برای ارتقاء شعور طبقاتی کارگران مزدور کشاورزی بکار گیریم ، اینکه ما باید توجه خود را به مهاجرت کارگران شهری به روستا (مثلا " مکانیک‌هایی که برای ماشین‌های خرمن‌کوب بخاری استخدام میشوند و غیره ) و به بازارهایی که در آن کارگران کشاورزی احیر میشوند معطوف نمائیم ، برای هر فرد سوسیال دمکرات از مسلمات بشمار می‌آید .

اما کارگران روستائی ما هنوز بیش از آن به دهقانان وابسته هستند ، هنوز بیش از آن زیر بار بدبختی‌های دهقانان بعنوان یک کل هستند که در حال حاضر و یا در آینده ، نزدیک جنبش کارگران روستائی را قادر سازند که اهمیتی ملی کسب نماید . از طرف دیگر مسئله رویدن نقابای سرواز ، بیرون‌راندن روح نابرابری ناشی از امتیازات اجتماعی ، و خواری دهها میلیون "مردم عادی" از کل سیستم دولتی روس اکنون موضوعی واحد اهمیت ملی است ؛ و حزبی که ادعا می‌کند پیشتاز مبارزه در راه آزادی است نمیتواند آنرا نادیده بگیرد .

اکنون وضع رقت‌انگیز دهقانان (بشکل کم و بیش کلی) تقریبا "از طرف

عموم مورد تصدیق فرار گرفته است. سخن درباره، "نعائص" فورم ۱۸۶۱ و لزوم کمک دولت به یک توضیح واصحات رایج تبدیل گشته است. این وظیفه، ماست که روش کنیم که پریشانی دهقانان دقیقاً ناشی از ستم طبقاتی است که بر دهقانان می‌رود، که دولت مدافع وفادار طبقات ستمگر می‌باشد، و اینکه کسانی که صادفانه و محضاً به آرزومند بهبود بنیادی وضعیت دهقانان هستند باید نه خواستار کمک دولت، بلکه رهائی از ستم آن و کسب آزادی سیاسی باشند. از بالا بودن فوق‌العاده مبلغ غرامت و اقدامات حیرت‌آهانه از سوی دولت برای کاهش و تعدید مهلت پرداخت آن سخن می‌رود.

ولی پاسخ، باین سخنان اینست که: پرداخت وجه غرامت کلاً، بدون هیچ کم و کاست حز غارت دهقانان توسط مالکین و حکومت که با اشکال قانونی و عبارات بوروکراتیک پوشانده شده است نیست؛ بی‌هیچ کم و کاست حز باحی که به سرفداران بخاطر آزاد کردن بردگانان پرداخت می‌شود نیست. ما خواست العا، فوری و کامل پرداخت غرامت‌ها و مالیات معافیت از بیگاری و خواست اسرداد صدها میلیون که حکومت براری در طول سالها برای ارضاء طمع برده‌داران از مردم بیرون کشیده است به آنان را مطرح می‌مائیم. سخن از این می‌رود که دهقانان رهن کافی ندارند، و اینکه کمک دولت برای تأمین زمین بیشتر برای آنان ضروری است. پاسخ ما باین سخنان اینست که: درصفا "بدلیل کمک دولت (المنه کمک به مالکین) است که دهقانان در مواردی این چنین فراوان از رهنی که بدان نیاز حیاتی داشتند محروم شدند. ما خواست اسرداد زمین‌هایی که دهقانان از آن محروم گردیده‌اند - وضعی

که هنوز آنان را موظف به انجام کار اجباری و سنگاری مینماید، یعنی واقعاً آنان را در حالت سرواژ نگاه میدارد به آنان را مطرح مینمائیم. ما خواست ایجاد کمیته‌های دهقانی را برای رفع سعدالسی آشکاری که توسط کمیته‌های نحا که حکومت تزاری ایجاد کرده علیه بردگان آزاد شده روا داشته شده است مطرح میسازیم. ما خواستار آن خواهیم شد که دادگاه‌های صاحب اختیار برای کاهش پرداختی‌های فوق‌العاده زیادی که بابت زمین توسط مالکان که از موقعیت نومیدانه دهقانان سوءاستفاده میکنند از آنها بیرون کشیده میشود تشکیل شود. دادگاه‌هایی که در آن دهقانان سواستفاده تمام کسانی را که از نیاز مفرط آنان برای تحمیل قراردادهای اسارت‌آور به آنان سوءاستفاده می‌کنند مجرم رباخوار، تعقیب نمایند. ما از هر فرصتی برای توضیح این امر بدهقانان استفاده خواهیم کرد که افرادی که برایشان از قیومت یا کمک دولت کنونی صحبت می‌کنند یا احمقند یا سارالان، و بدترین دشمنان آنها هستند؛ که آنحیزی که پیش از همه مورد نیاز دهقانان میباشد عبارتست از رهایی از ستم بیرحمانه قدرت بوروکراسیک، رسمیت شناخته شدن برابری کامل و مطلق آنان در تمام زمینه‌ها؛ تمام گروه‌های اجتماعی دیگر، آزادی کامل تغییر محل اقامت از جایی به جای دیگر، آزادی واگذاری زمین‌های خود و آزادی حل و فصل امور استراکی خود و صرف عایدات استراکی. پیش‌یا افیاده‌ترین واقعات در زندگی هرروستای روسته هزاران مورد برای تبلیغ خواست‌های فوق ارائه میدهد. اس تبلیغ نایسی مبنی بر مبرم‌ترین نیازهای محلی و منحص دهقانان باشد؛ ولی نباید به

این نیازها محدود گردد، بلکه باید دائما " در جهت وسعت دادن به بیشتر دهقانان، در جهت تکامل شعور سیاسی آنان سمت داده شود. باید موفقیات ویژه‌ای که مالکین و به تبع آن دهقانان در دولت اشغال می‌کنند به دهقانان تفهیم گردد. باید به آنها آموخت که تنها راه آزاد کردن روسا از ستم استبدادی انعقاد مجمعی از نمایندگان مردم و برانداختن سلطهٔ خوسرانهٔ ما مورین است. این که گفته میشود که خواست آزادی سیاسی برای کارگران قابل درک نیست، ادعای مزخرفی است. به سبب کارگرانی که سالها با کارخانه‌داران و پلیس درگیر یک نبرد مستقیم بوده‌اند و پیوسته بهترین جنگندگان را در معرض دستگیری و زجر و آزار خوسرانه می‌بینند، به آنها این کارگران، که دیگر با سوسیالیسم آمیخته شده‌اند، بلکه هر دهقان حساسی که اصلا " در بارهٔ چیزهایی که اطرافش میگردد بیاندیشد، درک خواهد کرد که کارگران برای چه میجنگند؛ اهمیت یک زمکی ساورا را که تمام کشور را از قدرت نامحدود ما مورین منوررها سارد درک خواهد کرد. تبلیغ بر پایهٔ مبرمترین نیازهای بلاواسطهٔ دهقانان فقط هنگامی مقصود حسین تبلیغی - یعنی اشغال مبارزهٔ طبقاتی به روسا - را برآورده میسازد که بتواند افشای هر نکیت "اقتصادی" را با خواستهای مشخص سیاسی پیوند ببرد.

ولی این سؤال مطرح میگردد که آیا "حزب سوسیال دمکرات کارگری" میتواند خواست‌هایی مثل آنچه که در بالا بدان اشاره رفت در برنامهٔ خود بگنجاند؟ میتواند تبلیغ در سبب دهقانان را بعهده بگیرد؟ آیا این به

پراکندگی و انحراف نیروهای انقلابی ما که در حال حاضر خیلی زیاد نیست  
از مسیر اصلی و تنها مسیر قابل اتکاء جنبش منحرف نمیکردد؟

چنین ایرادهائی بر عدم درک صحیح استوار است. ما باید خواست‌های  
مربوط به آزادی روستا از تمام بقایای بردگی را بطور مشخص در برنامه خود  
قرار دهیم. خواست‌هایی که میتواند بهترین بخش دهقانان را، اگر نه به  
عمل مستقل سیاسی ولی در هر حال به حمایت آگاهانه از مبارزه طبقه کارگر  
بخاطر آزادی برانگیزد. ما در اشتباه خواهیم بود اگر از اقداماتی که اثر  
کننده بر تکامل اجتماعی دارد و یا از حمایت مصنوعی دهقانان جزء حیزدر  
مقابل رشد سرمایه‌داری، در مقابل توسعه تولید بزرگ، دفاع نمائیم. ولی  
اشتباه مصیبت‌بارتری مرتکب خواهیم شد اگر از بسیج جنبش طبقه کارگر  
بمنظور انتشار خواست‌های دمکراتیک در میان دهقانان - که فوروم ۱۹ فوریه  
۱۸۶۱ بعلت مسخ شدن آن بدست مالکین و مأمورین در انجام آنها عاجز  
ماند - تصور ورزیم.

حزب ما اگر قرار است که رهبری همه مردم را در مبارزه علیه حکومت  
مطلقه بدست گیرد، باید چنین خواستهائی را در برنامه‌اش بگنجانند. اما  
گنجانیدن این مواد بدین معنی نیست که ما نیروهای فعال انقلابی خود را  
از سهرها به روستاها فرا خوانیم. جنبش حیزی مطرح نیست. شکی نمیتوان  
داشت که تمام اعضای مبارز حزب باید برای کار در شهرها و مراکز صنعتی  
متمرکز شوند؛ که فقط پرولتاریای صنعتی مستعد پیش برد یک مبارزه استوار  
و بوده‌ای علیه حکومت مطلقه، مستعد بکار گرفتن شیوه‌هایی از مبارزه مانند

سازمان دادن نظاهرات عمومی، یا انتشار منظم روزنامه سیاسی سراسری و  
توسیع وسیع آن میباشد. ما باید حواس‌های دهفانی را در برنامه خود  
بگنجانیم، نه برای فراحواندن سوسیال دمکراهای مؤمن از شهرها به روسا،  
نه برای پایبندکردن آنها به ده، بلکه برای هدایت آن عناصر فعال از  
سروهای که بصیوانند جز در بواخی روسائی مصری پیدا کنند و بکارگرفتن  
وابستگی‌هایی که تعداد زیادی از روشنفکران و کارگران با ایمان سوسیال  
دمکرات - بعلت حیرت موفعیت ما روسا دارند، در راه امردمکراسی و مبارزه  
سیاسی بحاطر آزادی، جنین وابستگی‌هایی با رشد جنبش الراما افزایش  
یافته و مستحکم تر میگردد، ما مدتهاست که آن مرحله‌ای را که، یک دهنه  
گوحک داوطلب بودیم، زمانیکه ذخیره، نیروهای سوسیال دمکرات به محافل  
افراد حواسی که همه "بسیوی کارگران می‌رفسند" محدود میگرددید پشت سر  
گذارده‌ایم. جنبش ما اکنون بک ارزش کامل زیر فرمان دارد، ارزشی از  
کارگران که درگیر مبارزه بحاطر سوسیالیسم و آزادی هستند ارزشی از  
روشنفکرانی که در جنبش شرکت داده‌اند و اکنون در تمام طول و عرض  
روسه یافت می‌شوند ارزشی از هواداران که دیدگان آنها با امید و ایمان به  
جنبش طبعه، کارگر دوخته شده و آماده‌اند هزاران خدمت بدان عرضه‌کنند.  
ما این وظیفه عظیم را در مقابل خود داریم که تمام اس‌ها را طوری  
سازمان دهیم که ما را قادر سازد که به سبها سورس‌های رودگذر را سازمان  
بدهیم، به ضمای صریاب انقافی و بپراکنده (و سایرین غیر خطرناک) مدحس  
وارد کنیم، بلکه دانما " و مصرانه دشمن را در یک مبارزه مصعمانه در تمام



حربه‌ها تعقیب کرده، با حمله به حکومت مطلقه در هرکجا که تخم ستم می‌یابد و نفرت درو میکند آنرا به ستوه می‌آوریم.

آیا میتوان بدون پاشیدن تخم مبارزه، طبقاتی و شعور سیاسی در میان میلیونها دهقان به این هدف دست یافت؟ هیچکس نباید بگوید که پاشیدن این تخم غیرممکن است! نه تنها ممکن است، بلکه هم اکنون از هزاران طریق که نوحه ما را بخود جلب میکند و تحت کنترل ما نیست انجام میگیرد. وقتی ما شعاری را که باعث افزایش نفوذ ما میگردد مطرح نمائیم و پرچم شعار رهائی دهقانان روس از تمام بغایای سرواز شرم آور را بالا ببریم این پیروان با وسعت و سرعت بسیار بیشتری بسط خواهد یافت. مردم روستا که به شهرها می‌آیند، حتی امروزه نیز با کنجکاوی و علاقه به مبارزه، کارگران که برایشان نامفهوم است میگردند و اخبار آنرا به دورافتاده‌ترین قسمتهای کشور منتقل می‌کنند. ما میتوانیم و باید موقعیتی ایجاد نمائیم که کنجکاوی این تماشاچیان حای خود را، اگر نه به درک کامل، حداقل به این آگاهی مهیم که کارگران بحاطر منافع تمام مردم مبارزه می‌کنند، همراه با همدردی روزافزون نسبت به مبارزه آنها بدهد. و هنگامی که این کار انجام شده باشد، روز پیروزی حزب انقلابی کارگران برحکومت پلیسی، با سرعتی فوق انتظار خود ما فرا خواهد رسید.

نگاشته شده در فوریه ۱۹۰۱

انتشار در آوریل ۱۹۰۱

در ایسکرا شماره ۳

مجموعه آثار انگلیسی

جانب سوروی جلد چهارم

صفحات ۲۸ - ۴۲۰

■ ما طرح یک برنامه سوسیال دموکراتیک را که دربرگیرنده، حواسهای  
هون است ریخته‌ایم. ما امیدواریم پس از اینکه این طرح با مشارکت "گروه  
رهائی کار" مورد بحث و اصلاح قرار گرفت - آنرا بعنوان طرح برنامه حزبمان  
در یکی از شماره‌های آینده منتشر نمائیم.

### "توضیحات"

۱ - چهاریک با حصه، ففرا - چهاریک، از اصطلاح "حداکثر" با حصه،  
"فرمان" معناری که برای هر ناحیه، تعیین، توسط قانون زمان روم ۱۸۶۱  
تعیین گردید. بعضی از دهقانان این قطعه کوچک زمین را بدون پرداخت  
عرامت از مالک دریافت میکردند. از اینرو همین قطعاتی "سه‌م سه" و  
دهقانانی که این قطعات را دریافت میکردند "دهقانان هبه‌ای" نامیده  
میشدند.



۲ - دهقانان وابسته، موقت: دهقانانی که حتی پس از رفورم تا زمانی که شروع به پرداخت غرامت حصه خود به مالک نمودند هنوز مجبور بودند برای استفاده از زمینشان وظائف معینی را انجام دهند (پرداخت مالیات معافیت از بیگاری و یا انجام بیگاری). از زمانیکه قرارداد پرداخت غرامت بسته شد دهقانان دیگر "وابسته" موقت نبودند و در زمره و دهقانان صاحب زمین به درآمدند.

۳ - این قباله‌ها اسنادی بود که روابط زمینداری بین دهقانان وابسته، موقت و مالکین را پس از لغو سرواز در ۱۸۶۱ تعیین میکرد. قباله مقدار زمینی را که پس از "آزادی" برایش مانده بود نشان میداد، قباله هم‌چنین فهرست وظایفی را که دهقان مجبور بود برای مالک انجام دهد در برداشت مبلغ غرامتی که می‌بایست از طرف دهقان پرداخت شود براساس این قباله تعیین میشد.

www.KetabFarsi.com

رحمه دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

باز نکیر از: سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا  
هوادار: «سازمان جریکهای فدائی خلق ایران»